

نقد و بررسی چاپ التذكرة في علم البزدره

امین مُجَلِّي زاده *

مهدی سلمانی **

چکیده

التذكرة في علم البزدره كتابی است در باب پرورش و معالجه مرغان شکاری که علاءالدین کندی آن را در قرن هشتم به زبان عربی تألیف کرده و محمد بن علی بن زاهد تستری آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است. این اثر در چهار مقاله، شامل سخنان حکمای روم، ترک، هند و فرس تألیف شده و از لحاظ جامعیت و دسته‌بندی در میان بازنامه‌های موجود کم‌نظیر است. رساله مذکور در سال ۱۳۹۴ با دو نسخه به دست میرهاشم محدث تصحیح شد و از سوی انتشارات سفیر اردهال در ۱۲۶ صفحه به چاپ رسید. نگارنده در این پژوهش به بررسی جوانب مختلف این چاپ پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: التذكرة في علم البزدره، علاءالدین کندی، میرهاشم محدث، بازداری (بزدره)، بازنامه

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش استان اصفهان / aminmojalle@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه صنعتی اصفهان / m.salmani54@yahoo.com

مقدمه

به فن پرورش و معالجه مرغان شکاری «بازداری» و به کتابی که در این باب است «بازنامه» اطلاق می‌شود. واژه «بازداری» وارد زبان عربی شده و به صورت «بیزره» و «بزدره» درآمده است (در این باب نک: مولوی، ۱۳۸۱: ۱۴۹-۱۵۳؛ اذکایی، ۱۳۵۶: ۳۷-۴۵؛ غروی، ۱۳۵۰: ۱۲۱۵-۱۲۱۸).^۱

فواید تصحیح بازنامه‌ها

تصحیح و تحقیق در بازنامه‌ها دارای فواید مختلفی است که از جمله آنها عبارتند از: تدوین تاریخ دامپزشکی: بخش عمده‌ای از دامپزشکی قدیم را بازنامه‌ها و فرسنامه‌ها تشکیل می‌دهند. اگر بخواهیم تاریخ علم را به صورت دقیق تدوین کنیم باید بازنامه‌ها را فهرست و به شیوه علمی تصحیح کنیم. فواید زبانی: اغلب بازنامه‌های موجود دارای متن کهن هستند که برای تدوین سبک‌شناسی و گونه‌شناسی زبان فارسی نیازمند تصحیح و تحقیق در آنها هستیم. فواید طبی: از آنجا که روش‌های معالجه موجود در بازنامه‌ها برای هزاران سال نزد بازداران مرسوم بوده است، پژوهشگران می‌توانند کیفیت این روش‌ها را در طب جدید مورد بررسی قرار دهند و از آنها استفاده نمایند. شرح متون ادبی: این‌که اصطلاحات بازداری در ادبیات فارسی تأثیر فراوان گذاشته‌اند، نیاز به حجت و استدلال چندانی ندارد. هر کس که با متون ادبی اندک انسی داشته باشد با اصطلاحات بازداری برخورد کرده است. اگر کسی بخواهد رساله‌ای در تأثیر بازداری بر ادب فارسی بنویسد حجمی چندین برابر آنچه که امیرحسن یزدگری در باب حواصل و بوتیمار (یزدگری، ۱۳۷۱) نوشته به دست خواهد آورد. تعدادی از این اصطلاحات عبارتند از: «باز سفید، باز چشم‌دوخته، بهله، پدواز، جرّه، چکسه، دستبان (= دستوانه)، زقه،

۱. در زبان فارسی و زبان عربی بازنامه‌های فراوانی نوشته شده است که تعدادی از آنها چاپ شده‌اند. در میان بازنامه‌های فارسی چاپ شده می‌توان به بازنامه نسوی، بازنامه نوشیروانی، بازنامه کسری، بازنامه منظوم قرن نهم، قوانین الصیاد، بازنامه ناصری و انیس المسافر اشاره کرد.

زنگل باز، سگ مُعَلَّم، شاهباز، طبل باز، قراتقو، کریز (=تولک، کریزی، کریزگاه، کریزخانه)، کلاه باز (=تماغه)، ملواح، نشیمن، نقش...».

بررسی نقایص چاپ التذكرة في علم البزدره

عدم شناخت زمان ترجمه التذکره فی علم البیزره: بر روی جلد کتاب چنین آمده است: «نوشته محمد بن علی بن زاهد شوشتری (قبل از ۱۲۶۸ق)»، که معلوم است مصحح محترم زمان ترجمه را تشخیص نداده است. در متن بازنامه قرائن و شواهد فراوانی وجود دارد که می توان از طریق آنها زمان ترجمه را مشخص کرد. با توجه به ابیاتی که در مدح شخصی به نام «شیخ حسن»^۱ آمده است (کندی، ۱۳۹۴: ۲۳) و همچنین عبارت «فروغ اروغ چنگیزخانی»^۲ (همانجا) معلوم می شود که این اثر در زمان یکی از «شیخ حسن» های معروف در قرن هشتم ترجمه شده است.

در قرن هشتم دو «شیخ حسن» در ایران حکومت کرده اند:

۱. شیخ حسن بزرگ یا همان شیخ حسن ایلکانی، مؤسس آل جلایر (۷۴۱-۷۵۷ق): تاج الدین و الدین، شیخ حسن بزرگ، پسر امیر حسین گورکان و نواده دختری ارغون است و ما می توانیم وی را شاهزاده ایلخانی بنامیم؛ چنان که در زمان خود وی نیز او و سلسله اش را از اعقاب چنگیزخان می دانسته اند. مثلاً سلمان ساوجی، که مداح شیخ حسن بوده است، در قصیده ای وی را این گونه می ستاید:

ظَلَّ حَق، چشم و چراغ دوده چنگیزخان
شیخ حسن نویان امیر دین فزای کفرکاه
(بیانی، ۱۳۸۲: ۱۳)

۲. شیخ حسن کوچک بن تیمور تاش بن امیر چوپان (۷۳۸-۷۴۴) که اولین امیر چوپانی است (در باب وی نک: اقبال، ۱۳۸۸: ۳۵۴؛ نبئی، ۱۳۵۲: ۲۴۵).

۱. «همای فرشه کامکار شیخ حسن که نسر چرخ کهن صید باز همت اوست»

(کندی، ۱۳۹۴: ۲۳)

۲. «سکندر عصر و زمان، نوشیروان عهد و اوان، رافع رایات مسلمانی، دارای ممالک سلیمانی، فروغ اروغ چنگیزخانی، چشم و چراغ دودمان سلطانی» (کندی، ۱۳۹۴: ۲۳).

علاوه بر این، در کتاب‌شناسی‌هایی که برای بازنامه‌ها تهیه شده به زمان تألیف این بازنامه اشاره شده است. مثلاً در تحقیق مبسوط محمدتقی دانش‌پژوه با عنوان «بازنامه‌ها و بازیاری» چنین آمده است: «التذکره فی علم البیزره» از محمد بن علی زاهد شوشتری در یک مقدمه در تربیت باز که در نسخه ملک همان فهرست باب‌ها است. سپس چهار مقاله: نخستین در سخن دانشمندان روم یا یونان در ۳۴ باب، دومی در سخن دانشمندان ترک در ۳۰ باب، سومی در سخن دانشمندان هند در ۳۶ باب، چهارمی در سخن دانشمندان ایران در ۲۰ باب، به نام شیخ حسن جلایر ایلکانی (۷۳۶-۷۵۷). شوشتری می‌نویسد که من در آن علم سیاست باز کندی را به فارسی درآوردم و آن را مرتب کردم و بخش‌بندی نمودم (دانش‌پژوه، ۱۳۶۸: ۲۱).

ایرج افشار نیز در مقدمه‌ای که بر بازنامه منظوم قرن نهم نوشته، بر اساس تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه به این مسئله اشاره کرده است (افشار، ۱۳۷۵: مقدمه، ۵۳۹۶). چنان‌که پیشتر گفته شد بر روی جلد کتاب چاپی عبارت «قبل از ۱۲۶۸ق» دیده می‌شود. در مقدمه ۳۰ سطری کتاب، آمده است که تصحیح این اثر با دو نسخه انجام پذیرفته که تمام مطالب عیناً در اینجا نقل می‌شود:

«اساس کار مصحح بر دو نسخه استوار بوده است:

۱. نسخه خطی شماره ۶۷۷۵ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. این مجموعه به خط نستعلیق بدون نام کاتب در چهاردهم ربیع الثانی ۱۲۱۴ نوشته شده. جای این رساله در این مجموعه از صفحه یک تا شصت و چهار است. متأسفانه این نسخه کامل نیست. کل خطبه کتاب و باب بیستم از مقاله دوم تا باب نهم از مقاله سوم را ندارد. رمز این نسخه را الف گذاشتم.

۲. مجموعه شماره ۵۴۶ موزه، کتابخانه و مرکز اسناد ملی ملک که به خط نسخ بدون نام کاتب در بیست و سوم رجب ۱۲۶۸ هجری قمری نوشته شده است. جای این نسخه در این مجموعه از صفحه ۴ تا ۹۵ است. این نسخه هم از وسط باب پانزدهم از مقاله اول تا آخر باب پانزدهم از مقاله اول یعنی حدود دو صفحه، همچنین باب‌های شانزدهم و هفدهم و هیجدهم از مقاله سوم را ندارد. رمز این نسخه را ب گذاشتم. خوشبختانه افتادگی‌های نسخه الف را نسخه ب و افتادگی‌های نسخه ب را نسخه الف جبران کردند و متن کاملی از

این کتاب اکنون در خدمت شما است» (محدث، ۱۳۹۴: مقدمه، ۱۵-۱۶). چنان‌که نقل شد اقدم نسخ در تصحیح ۱۲۱۴ق بوده؛ بنابراین بدون توجه به بیت «همای فر شه کامکار شیخ حسن...» و از طرفی بدون توجه به پیشینه پژوهش - یعنی مطالب ذکر شده در تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار - باید نوشته می‌شد قبل از ۱۲۱۴ق و نه ۱۲۶۸ق.

عدم استفاده از تمام نسخه‌های موجود

چنان‌که پیشتر ذکر شد، مصحح از دو نسخه ۶۷۷۵ مجلس و ۵۴۶ کتابخانه ملی ملک استفاده کرده است. اما دو نسخه دیگر در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود که با توجه به ضعف نسخه‌های مورد استفاده، بهتر است از این نسخه‌ها در رفع مشکلات متن بهره گرفته شود. نگارندگان در بخش نقایص متن مصحح محدث، به استناد نسخ معرفی شده در زیر، چند مورد از نقایص کار او را باز خواهند نمود.

۱. نسخه شماره ۳۰۰ کتابخانه میرجعفری اراک (مجموعه ابراهیم دهگان): مجموعه‌ای است از چند بازنامه که در انجامه آن با قلمی درشت‌تر از متن بازنامه این عبارت دیده می‌شود: «روز یک‌شنبه در یازدهم جمادی الاول به اتمام رسید که قمر در برج عقرب بود سنه ۱۲۲۴». این نسخه، با وجود افتادگی‌های فراوان، بخش عمده‌ای از دیباجه را در بر دارد. اصولاً یکی از مشکلات مهم در تصحیح بازنامه‌ها - به‌طور کلی - عدم کتابت دیباجه این نسخ، توسط کاتبان و صاحبان و سفارش دهندگان بوده است و این نسخه از جهت داشتن بخشی از دیباجه ارزشمند است. از آنجایی که صاحبان این گونه نسخ اغلب بازدار بوده‌اند و برای رفع نیازهای فنی و پزشکی فقط به متن این گونه کتب مراجعه می‌کردند، اکثر نسخ باقی‌مانده فاقد دیباجه هستند. این مسئله در مورد یکی دیگر از بازنامه‌های مهم این دوره، یعنی شکارنامه ایلخانی نیز صدق می‌کند. با توجه به این‌که مقدمه بازنامه‌ها منبع مهمی برای شناخت سیر تحوّل جانورشناسی است، تصحیح دقیق این بخش از بازنامه‌ها کمتر از بخش‌های فنی نیست. همچنین در تصحیح محدث، دیباجه، چنان‌که پیشتر گفته شد، بر اساس یک نسخه صورت گرفته و دچار نقایص فراوان است، لذا نسخه شماره ۳۰۰ بخش عمده‌ای از آن نقایص را برطرف خواهد کرد. دیگر ویژگی قابل توجه این نسخه آن

است که قطعاتی را که از خود مترجم هستند با عبارت «قطعة مترجم الکتاب» مشخص کرده است (در این باب نک: بخش گویندگان اشعار همین مقاله).

۲. نسخه شماره ۲۷۴ کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی، که در انجامة آن عبارت «در شب جمعه بیست دوم شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۰۱» دیده می‌شود. این نسخه فاقد دیباجه است و اختلافات زبانی با دیگر نسخه‌های این رساله دارد. گویی بازدارای رساله را برای خود بازنویسی کرده است. به هر حال، بعضی مشکلات متن را می‌توان از طریق این نسخه حل کرد (نک: نقایص متن).

نقایص متن

با توجه به فاصله زمانی زیاد بین تألیف و کتابت نسخ، و همچنین اندک بودن نسخه‌های مورد استفاده و نیز بی‌توجهی به منابع جانبی از قبیل بازنامه‌های فارسی، عربی، کتب جانورشناسی قدیم، دیوان‌های شعرا و... متن مصحح محدث دچار مشکلاتی است که در این قسمت به آنها می‌پردازیم. اصولاً می‌توان این مشکلات را به دو قسمت تقسیم کرد: اشکالاتی که خود مصحح با گذاشتن علامت سؤال و یا چند نقطه آنها را نشان داده است و اشکالاتی که مصحح بدانها اشاره نکرده است.

الف) اشکالاتی که مصحح با گذاشتن علامت (؟) یا (...) به آنها اشاره کرده است ولی حل آنها از طریق نسخه‌های خارج از دسترس او و یا به کمک متون دیگر از جمله کتب جانورشناسی و دیوان‌های شاعران یا مقابله با خود متن میسر است:

ازاک	ملک
(ص ۵)	(ص ۵)

درلواست



۱. «به یک پرواز از نشیب کره زمین به بالای قصر آسمان برآمد و از ملاً اعلی که ملازمان کبوترخانه این قفص نیلگونند در لواست (؟)» (کندی، ۱۳۹۴: ۲۱)

چنان که مشخص است، مصحح در اینجا، به دلیل بی‌ارتباط بودن «لواست» با دیگر

بخش‌های کلام، در مقابل واژه «لواست» علامت (?) گذاشته است. در نسخه اراک به جای «لواست»، «درگذشت» کتابت شده، که همین صحیح است و با بخش‌های قبلی و فحوای کلام تناسب دارد.

۲. «و در ملازة او اکان افتد» (کندی، ۱۳۹۴: ۴۹)

ضبط مصحح بر اساس نسخه مجلس بوده و چون «اکان» هم معنی نمی‌دهد در مقابل آن (?) قرار داده شده است. در نسخه دایرةالمعارف صورت «در ملازة آکله افتد» کتابت شده است. به علاوه، در صفحه ۵۲ کتاب، باب بیستم، چنین آمده است: «سبب آن [زکام] از دودی باشد که به وی رسیده است یا آکله که در دهان افتاده باشد. اما نشان آکله آن است که سیاهی ملازة آن سفید شود و در هر دو چشم او آب بسیار باشد» (کندی، ۱۳۹۴: ۵۲). بنابراین «آکله» صحیح است (همچنین در باب «آکله» و «آکله‌دهان»، نک: عقیلی، ۱۳۸۵: ۸/۳؛ شاه‌ارزانی، ۱۳۸۷: ۱/۳۸۶).

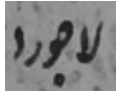
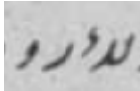
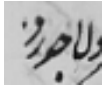
مجلس	دایرةالمعارف
(ص ۴۲)	(ص ۳۲)

اکان افتد	اکله افتد
-----------	-----------

۳. «و اگر اینها مفید نیاید قدری نشادر و ... برابر همدیگر بکوبند» (کندی، ۱۳۹۴: ۵۱)

مصحح به دلیل ناقص بودن نسخه‌ها قسمت مغشوش و نامشخص را نقطه چین (...)

کرده است. در نسخه مجلس که اساس کار مصحح بوده، به صورت «لاورد» کتابت شده است و در نسخه دایرةالمعارف به صورت «نشادر و لاجورد». همچنین در نسخه اراک به صورت «نوشادر و لاجورد» ضبط شده است. مسلم است که واژه صحیح در اینجا «لاجورد» است (در باب استفاده از «لاجورد» در طب قدیم نک: عقیلی، ۱۳۸۸: ۶۹۰؛ اخوینی، ۱۳۷۱: ۲۴۳ و ۲۷۸ و ۵۸۵ و ۷۵۳؛ هروی، ۱۳۷۱: ۱۱۸؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

دایرةالمعارف	مجلس	اراک
(ص۳۵)	(ص۴۴)	(ص۱۵۳)
		

۴.

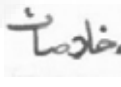
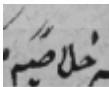
ز بهر طغرل تو آفتاب زرین چشم ز کوه سنگین سر
 ز بیم سنقر تو بفرکند به روز شکار کلنگ موزه و هدهد کلاه و صعوه کمر
 (کندی، ۱۳۹۴: ۲۳)

این ابیات در المعجم فی آثار ملوک العجم بدین صورت آمده است:

ز بهر طغرل او آفتاب زرین چشم پر تذر و برآرد ز کوه سنگین سر
 ز بهر سنقر او بفرکند به روز شکار کلنگ موزه و هدهد کلاه و صعوه کمر
 (شرف‌الدین قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۷۴)

بهتر بود اشاره‌ای به ضبط المعجم فی آثار ملوک العجم هم می‌شد، گرچه ضبط المعجم هم ممکن است ایراد داشته باشد.

۵. «جنس انس را که خلاصات (؟) مکنونات و نقاوه مصنوعات اند» (کندی، ۱۳۹۴: ۲۱)
 مصحح در این قسمت در مورد ضبط «خلاصات» تردید داشته؛ بنابراین در مقابل آن علامت (؟) قرار داده است. در نسخه اراک به صورت «خلاصه» ضبط شده است.

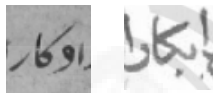
ملک	اراک
(ص۴)	(ص۴)
	

ب) مواردی که مصحح به نقص متن اشاره‌ای نکرده است:

۱. «در اطراف و اکناف اعشاش و ابکار، اوراد و اذکار یسبح لله ما فی السماوات و ما فی الارض مکرر می‌گردانند.» (همان، ۲۰)

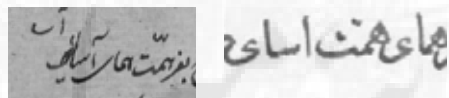
مشکل در اینجا «اعشاش و ابکار» است. در نسخه اراک به جای «ابکار»، «اوکار» آمده است. «اعشاش» جمع «عش» به معنای «آشیانه» و «اوکار» جمع «وکر» به معنی «آشیانه مرغ» است. کاملاً مشخص است که ضبط نسخه ملک اشتباه است و «اوکار» صحیح است.

ملک
(ص ۳)
اراک
(ص ۳)



۲. «شهبازی که در شب معراج به فرّهای همت آسای قصد گنبد مینونمای کرده» (همان، ۲۱) مشکل در اینجا «همای همت آسای» است که منطقی باید به صورت «همّت همای آسا» ضبط می‌شد، زیرا «همای آسا» در اینجا صفتی برای «همّت» است. در نسخه اراک نیز به درستی به صورت «همّت همای آسا» کتابت شده است.

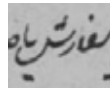
ملک
(ص ۴)
اراک
(ص ۵)



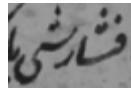
۳. «دلالت می‌کند بر آن که او را ضعفی یا سفارشی یا صدمه‌ای یعنی کوفتی رسیده باشد» (همان، ۴۷)

تصحیح بر اساس نسخه «مجلس» بوده است، اما ارتباط «سفارش» با «ضعف» و «صدمه» مشخص نیست. در نسخه ملک به صورت «بر آن که او را ضعفی افتادن یا صدمه یعنی کوفتی رسیده است» ضبط شده و در نسخه دایرةالمعارف به صورت «که او را فشارشی با [صح: یا] کوبی رسیده باشد». واضح است که در اینجا «فشارش» صحیح است. ضمناً در صفحه ۵۵ کتاب هم عبارتی بدین صورت آمده است: «هر گاه بیند که باز نفس بلند کشد بیايد دانست که صدمه‌ای یعنی کوفتی یا سقطی یعنی فشارشی به وی رسیده باشد» (همان، ۵۵) (برای استعمال «فشارش» بدین معنی، نک: جرجانی، ۱۳۸۴: ۲۵). با توجه به قراین و شواهد دیگر تردیدی در مورد صحت «فشارش» وجود ندارد.

مجلس
(ص ۳۷)



دایرةالمعارف
(ص ۲۸)



۴.

ای بال گشاده باز حیرت عالم همه زیر پر گرفته
طوطی به شکر نثار لطف جانها همه در شکر گرفته

(کندی، ۱۳۹۴: ۲۱)

مشکل در اینجا ضبط «باز حیرت» است که ارتباطی میان «حیرت» و «باز» وجود ندارد. این بیت از جمال‌الدین عبدالرزاق است و ضبط صحیح آن در دیوان به صورت «باز چترت» آمده است (جمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۷۹: ۳۶). همچنین در بیت دوم ارتباط بین «لطف» و «طوطی» معلوم نیست. آنچه که معروف است «نطق» طوطی است. بنابراین به جای «لطف»، «نطق» صحیح است و در دیوان نیز به این صورت آمده است (جمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۷۹: ۳۶). به علاوه، در دیوان چاپی جمال‌الدین حرف اضافه «به» در مصراع اول بیت دوم وجود ندارد؛ با توجه به معنای بیت، به نظر می‌رسد ضبط صحیح همین است (همچنین نک: ذیل گویندگان ابیات).

۵.

جائت سلیمان یوم الغرض قَبْره تهدی الیه جراداً کان فی فمها
تکَلَّمَتْ بفصیح النطق معرِبه إِنَّ الهِدايا على مقدارٍ مُهدِیها

(کندی، ۱۳۹۴: ۲۵)

مشکل در قافیۀ بیت اول، یعنی واژه «فم» است. در زبان عربی اعراب اسماء خمسۀ با حرف ظاهر می‌شود. اسماء خمسۀ عبارتند از: «أَب، اخ، حم، فم، ذو». این اسماء هرگاه مضاف باشند، رفعشان به «واو» و نصبشان به «الف» و جرّشان به «یاء» خواهد بود. بنابراین، با توجه به این که فم بعد از حرف جر «فی» آمده است، به «فیها» تبدیل می‌شود و

این صحیح است. همچنین کلمه قافیه در بیت بعد «مهدیها» است که، به لحاظ قافیه، با «فم» تناسبی ندارد.

ضمناً در مصراع اول بیت اول از «یوم الغرض» هیچ معنایی دریافت نمی‌شود؛ زیرا اصولاً غرضی در کار نبوده است. در اینجا «یوم الغرض» به معنای «روز عرض [هدایا]» صحیح است. این بیت به گونه‌های مختلف در متون آمده و در هیچ موردی به صورت «فم» و «یوم الغرض» ضبط نشده است (در باب استعمال این بیت در متون مختلف نک: الیوسی، ۱۴۰۱: ذیل مثل «ان الهدایا علی مقدار مهدیها»؛ دهخدا، ۱۳۶۳: ۱/۹۶؛ دمیری، ۱۴۲۴: ۵۱۶/۲؛ اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۲۷۹).

۶.

از بهر استماع مقامات عدل [تو] افلاک جمله گوش چو سوسن برآمده
در عهد عدل تو که جهان سر به سر گرفت هستند گرگ و میش به آبشخور آمده
(کندی، ۱۳۹۴: ۲۴)

این ابیات از مجیرالدین بیلقانی است و در دیوان او بدین صورت آمده است:

از بهر استماع مقامات عدل تو افلاک جمله گوش چو سیسنبر آمده
در عهد تو که یوسف مصر جهان تویی هستند میش و گرگ^۱ به آبشخور آمده
(مجیرالدین، ۱۳۵۸: ۱۸۶)

مشکل در این بیت، عبارت «سوسن برآمده» است. در سنت ادب فارسی آنچه که به «سوسن» نسبت می‌دهند زبان است، نه گوش. اما گیاهی که به گوش داشتن معروف شده، «سیسنبر» است. (در باب «گوش سیسنبر» نک: سنایی، ۱۳۸۷: ۱۹۱ و ۱۹۷ و ۵۹۹؛ همان، ۱۳۸۵: ۷۳۵؛ عطار، ۱۳۸۸: ۱۴۵؛ ظهیری سمرقندی، ۱۳۶۲: ۱۵۸ و ۳۰۸). همچنین اختلافی در ضبط مصراع اول بیت دوم با دیوان چاپی وجود دارد. بهتر بود اشاره‌ای به این شیوه ضبط می‌شد.

۷. «چنین گوید مرتب این مقامات و مشیت این کلمات» (کندی، ۱۳۹۴: ۲۵)

۱. در نسخ دیگر: «گرگ و میش».

واضح است که در اینجا «مشیت» اشتباه و به جای آن «مثبت» به معنای «ثبت‌کننده» صحیح است.

۸. «باز عدل و سیاست او آسیب جنگل عقاب ظلم و عدوان از رقاب عموم سوام و هوام منافع گردانیده» (همان، ۲۳)

در نسخه ملک - که اساس کار مصحح بوده - به صورت «بازیار»، و در نسخه اراک به صورت «یاریار» کتابت شده است. مشخص است که اینجا «بازیار» صحیح است. ضمناً اگر تصحیح قیاسی بوده، باید در پاورقی گزارش می‌شد.

ملک	اراک
(ص ۸)	(ص ۱۰)

۹. «اما از مرغان، مرغی که غذای او باشد که او را شکار می‌کند» (همان، ۳۸)

در نسخه ملک که مورد استفاده مصحح هم بوده، بدین صورت کتابت شده است: «اما از مرغان، مرغی غذای او باشد که او را شکار می‌کند». بدون مراجعه به نسخه ملک نیز کاملاً واضح است که «که» اول حاصل تصرف کاتب است.

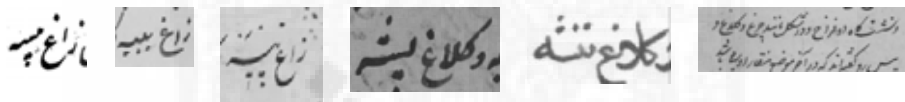
مجلس	ملک
(ص ۱۷)	(ص ۲۰)

۱۰. «و نشستگاه او فراخ و در شکل مانند چرخ و کلاغ و بیسر» (همان، ۳۳)

مصحح در پاورقی توضیح داده که «بیسر» جانوری است شکاری از جنس باشه. در نسخه مجلس که اساس کار مصحح بوده است به صوت «کلاغ و پس»، در نسخه ملک به صورت «کلاغ تشه»، و در نسخه دایرةالمعارف به صورت «کلاغ پشه/ بیشه؟» آمده است. علاوه بر این‌ها در شکارنامه خسروی در بحث شایستگی باز به صورت «زاغ پیسه»

(نیشابوری، ۱۲۸۵: گ ۳۴)، در شکارنامه ایلخانی به صورت «زاغ بیه» (حلوانی: گ ۱۳)، در بازنامه ینال خلیل تاشی به صورت «زاغ پسه» (ینال خلیل تاشی: ص ۱۶) ضبط شده است. بنابراین کلمه دوم باید صفت یا مضاف الیه باشد و نه معطوف به کلمه اول. بدون تردید در اینجا «کلاغ پیسه» صحیح است و معلوم نیست بر چه اساسی مصحح «کلاغ و بیسر» را انتخاب کرده و در پاورقی هم توضیحاتی در باب «بیسر» داده است.

مجلس	ملک	دایرةالمعارف	شکارنامه	شکار	بازنامه
(ص ۷)	(ص ۱۴)	(ص ۶)	خسروی	نامه	ینال
			(ص ۱۶)	ایلخانی	(ص ۲۸)
			(ص ۲۵)		



۱۱. «و درود بسیار و تحیات بی شمار، ایثار مرقد بزرگوار و مشهد نامدار مثنوی رسل و رهنمای

سبل» (کندی، ۱۳۹۴: ۲۱)

مشکل در اینجا دو واژه «ایثار» و «مثنوا» است. در نسخه اراک به جای «ایثار»، «نثار»، و به جای «مثنوا»، «پیشوا» کتابت شده است. بنابراین ضبط نسخه اراک صحیح است.

ملک	اراک
(ص ۴)	(ص ۵)



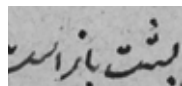
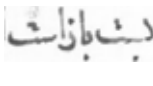
۱۲.

بست باز است آشیانه کبک چشم گرج است چشمه سار غنم

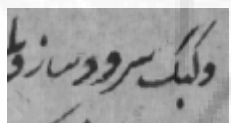
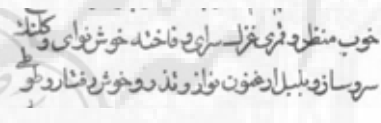
(کندی، ۱۳۹۴: ۲۴)

در نسخه ملک به صورت «بست» آمده و در تصحیح به همین شکل ضبط شده که

معنای قابل قبولی ندارد. در نسخهٔ اراک به صورت «بشت» [= پشت] آمده و واضح است که در اینجا «پشت» صحیح است.

اراک	ملک
(ص ۱۱)	(ص ۸)
	

۱۳. «طاووس جلوه‌گر و سیمرخ خوب منظر و قمری غزل‌سرای و فاختهٔ خوش‌نوای و کلنگ سرساز و بلبل ارغنون‌نواز و تذرو خوش‌رفتار و طوطی شکرگفتار...» (همان، ۲۰) مشکل در این عبارت: «کلنگ سرساز» است. در نسخهٔ اراک به صورت «کبک سرودساز» کتابت شده است. ارتباط «کبک» با «سرود» مشخص است؛ اما ارتباط بین «کلنگ» و «سروسازی» نامعلوم است (همان، ۲۰).

اراک	ملک
(ص ۳)	(ص ۳)
	

۱۴. «ایشان را مسخر و مأمور کرد تا بر حسب ارادت و اختیار و مشیت و ایثار بر منتها و متمنای خود از آن فاتر و ظامر می‌شوند» (همان، ۲۱) از «فاتر و ظامر» هیچ معنای معقولی استنباط نمی‌شود. مشخص است که در اینجا با توجه به جملات قبل و فحوای کلام «فایز و ظافر» صحیح است.

۱۵. «آسمان فطرت را به انواع تصاویر غریب طیور مصنوعات آراسته است و زمین خلقت را به اصناف تماثیل عجایب و حوش مکنونات پیراسته» (همان، ۱۹) در اینجا با دو پارهٔ موزون روبه‌رو هستیم:

آسمان فطرت را به انواع تصاویر غریب طیور مصنوعات آراسته است
زمین خلقت را به اصناف تماثل عجایب وحوش مکنونات پیراسته [است]^۱
به دلیل رعایت تناسب قرینه‌ها، «غرایب» را باید صحیح دانست؛ در چنین مواردی
مصحح از طریق تصحیح قیاسی می‌تواند متن را اصلاح کند. ضمناً این بخش از متن را
فقط نسخه ملک در بردارد.

بررسی گویندگان ابیات

در تصحیح محدث، گوینده هیچ کدام از ابیات مشخص نشده است. این مسئله باعث
بروز نقایصی در تصحیح شده که در بخش نقایص متن به آنها پرداخته شد. در اینجا
گویندگان ابیات بررسی می‌شوند:

از بهر استماع مقامات عدل تو
در عهد تو که یوسف مصر جهان تویی
افلاک جمله گوش چو سیسنبه آمده
هستند میش و گرگ^۲ به آبشخور آمده
(مجیرالدین، ۱۳۵۸: ۱۸۶)

ای بال گشاده باز چترت
طوطی شکر نثار نطقت
عالم همه زیر پر گرفته
جان‌ها همه در شکر گرفته
(جمال الدین عبدالرزاق، ۱۳۷۹: ۳۶)

در پناه حفظ تو از بهر ترتیب گله
نه عجب گر ز داد او زین پس
گرگ در باب مصالح راز گوید با شبان
(ظهیرالدین فاریابی، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

خویش گردد تذرو را شاهین
و دو بیت که گوینده آن معلوم نشد؛ ولی در «المعجم فی آثار ملوک العجم» نیز آمده
(مسعود سعد، ۱۳۶۴: ۶۳۶/۲)

است:

ز بهر طغرل او آفتاب زرین چشم
پر تذرو برآرد ز کوه سنگین سر

۱. حذف به قرینه لفظی.

۲. در نسخ دیگر: «گرگ و میش».

- ز بهر سنقر او بکنند به روز شکار کلنگ موزه و هدهد کلاه و صعوه کمر
(شرف الدین قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۷۴)
- همچنین در نسخهٔ اراک ابیات «علی بن زاهد تستری» با عبارت «قطعه مترجم کتاب»
مشخص شده است که عبارتند از:
- تبارک الله از این مُبدعی که قدرت او ورای حیز ادراک و فهم انسان است
(کندی، ۱۳۹۴: ۱۹)
- فسبحان من ابدی لطائف علمه صنایع ادهش العقول عجایبها
(همان، ۲۱)
- همای فرّ شه کامکار شیخ حسن که نسر چرخ کهن صید بازِ همتِ او است
(همان، ۲۳)

توضیحات مصحح

مصحح نشانی آیات را در پاورقی آورده و در بعضی موارد، معنی لغات را نیز توضیح داده است. لغاتی که معنی آنها در پاورقی آمده به ترتیب صفحات از این قرار هستند:

اعشاش (۲۰)، مقصوص الجناح (۲۲)، اوکار (۲۴)، اعشاش (۲۴)، وعث (۲۴)، ذرق (۳۳)، بیسر (۳۳)، دستیان (۳۶)، ملازه (۴۱)، اصل السوس (۴۱)، طبرخر (۴۷) (توضیح از اختیارات بدیعی)، سمانی (۴۸)، سلحفات (۵۰)، جلجلان (۵۰)، سنجفر (۵۰)، جرجیر (۵۱)، مشمش (۵۱)، شمع (۵۱)، کندس (۵۱)، اتان (۵۴)، زبد (۵۵)، زبد (۵۸)، جندقوی (۶۸)، وادس (۷۱)، نان حواری (۷۱)، قانصه (۸۱)، بثره (۸۲)، گله (۸۴) قانصه (۸۷)، تیس (۸۹)، فوه (۹۰)، مری (۹۳) (توضیح از آندراج)، تشاوب (۹۴)، بالوط (۹۵)، سلحفات (۱۰۲)، کرویا (۱۰۵)، ملعقه (۱۰۶)، اسپست (۱۰۶)، قصیل (۱۰۸).

چنانکه معلوم است، به جز در دو مورد، که ارجاع به کتب داده شده است، در سایر موارد، توضیحات ارجاع ندارد. در همان دو مورد هم که به اختیارات بدیعی و آندراج ارجاع داده شده، معلوم نیست از کدام چاپ و تصحیح بوده است. این تصحیح اصلاً بخش منابع ندارد.

فهرست‌ها

چاپ آثاری مثل بازنامه‌ها که دارای لغات و اصطلاحات مختلف هستند، نیازمند فهرست‌های تفصیلی مختلف است. در پایان این چاپ، بخشی با عنوان فهرست‌ها دیده می‌شود، ولی معلوم نیست که دقیقاً فهرست چیست. در این فهرست که بر اساس الفبا تدوین شده، از نام ادویه و جانوران و نام کتاب و مؤلف، اعضای جانوران، لوازم بازداری و امراض و... دیده می‌شود. در حالی که بهتر آن بود که فهرست‌ها به صورت مجزا مرتب می‌شدند؛ روشی مشابه آنچه علی غروی در تصحیح بازنامه نسوی اتخاذ کرده است. در بازنامه نسوی فهرست‌های تفصیلی ذیل عنوان‌های نام کسان، نام‌های جغرافیایی، نام جانوران، مواد و داروها و گیاهان، اقوام و طوایف و سلسله‌ها، و امرا، تنظیم شده‌اند. اما در تصحیح التذكرة فی علم البزدره پیشنهاد می‌شود فهرست‌هایی تحت عناوین زیر در پایان اضافه شود: جانوران، گیاهان و ادویه و خوراک، اندام، آلات و لوازم بازداری و معالجه و شکار، اصطلاحات بازداری، امراض، آیات و احادیث، واحدهای اندازه‌گیری و ابیات.

شیوه صفحه‌آرایی

در موارد زیادی شماره پانوشت‌های فارسی به انگلیسی نوشته شده است: ۲/۲۲، ۵/۳۳، ۳/۴۶، ۴/۴۸، ۲/۶۴، ۲و۱/۷۵، ۱/۸۱، ۱و۲و۱/۸۲، ۳و۲و۱/۸۳، ۱/۸۴، ۱/۸۶، ۲و۱و۳و۲/۸۷، ۱/۸۸، ۲/۸۹، ۱/۹۰، ۱/۹۲، ۲و۱/۹۴، ۱و۲و۳و۲و۱/۹۵، ۱/۹۶، ۱/۹۷، ۱/۹۸، ۱/۹۹، ۲و۱/۱۰۲، ۱و۱/۱۰۳، ۲و۱/۱۰۴، ۳و۱/۱۰۵، ۴و۱/۱۰۷، ۲و۱/۱۰۸، ۲و۱و۳و۲و۱/۱۰۹، ۴و۳و۲و۱/۱۱۰.

همچنین در بالای صفحه، بخش پیشگفتار مصحح از دیباجه مؤلف مجزا نشده و پیش‌گفتار و دیباجه هر دو ذیل «پیش‌گفتار» آمده است.

۱. عدد سمت راست، نشانگر صفحه و عدد سمت چپ، نشانگر زیرنویس است.

منابع و مآخذ مصحح در تصحیح این کتاب بخش منابع و مآخذ ندارد.

نتیجه‌گیری

با وجود زحماتی که ناشر و مصحح محترم برای چاپ التذكرة فی علم البزدرة کشیده‌اند و فوایدی که این اثر برای پژوهشگران در زمینه‌های مختلف ادبی و زبانی دارد، متأسفانه متن چاپی دچار نقایصی است که امید است ناشر و مصحح در چاپ‌های بعدی به رفع آنها بپردازند. زمان و دوره‌ای که این رساله ترجمه شده، دقیقاً مشخص نشده و مصحح محترم از همه نسخه‌های موجود بهره نبرده است و در مقابله همان نسخه‌هایی که در اختیار بوده هم، دقت نکرده است. کتاب در زمینه شرح لغات و اصطلاحات، کاستی‌هایی دارد. مثلاً از منابع درجه یک چون کتب جانورشناسی - بخصوص بازنامه‌ها و فرهنگ‌های مرتبط و هم‌عرض - استفاده نشده است. به علاوه، کتاب در صفحه‌آرایی نیز مشکلاتی دارد.

منابع

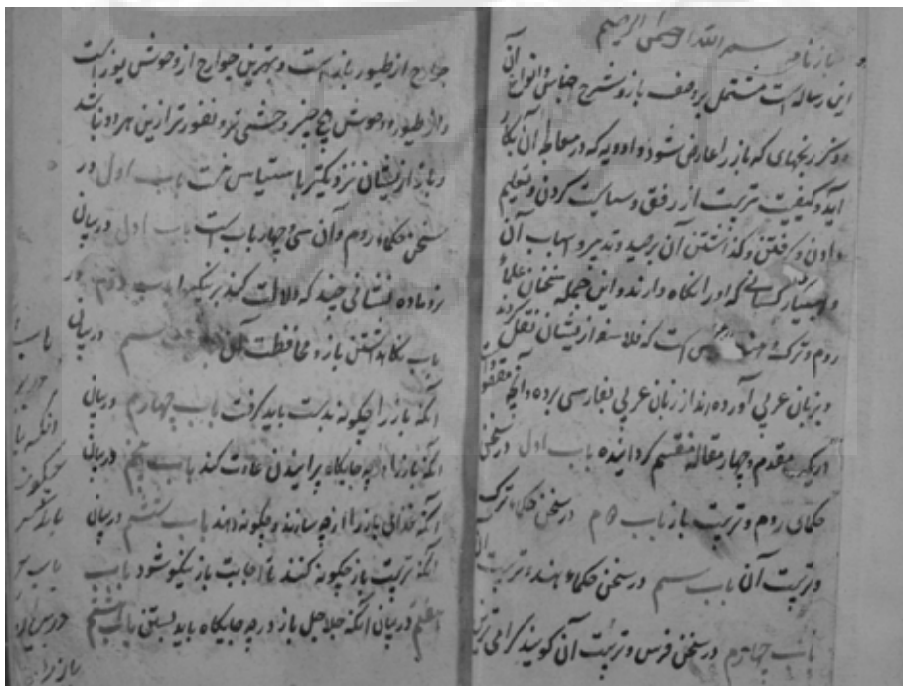
- اخوینی، ربیع بن احمد (۱۳۷۱). هدایة المتعلمین فی الطب، به اهتمام جلال متینی، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ادکایی، پرویز (۱۳۵۶). «باز و بازنامه‌های فارسی (۲)»، مجله هنر و مردم، ش ۱۷۷، ۳۷-۴۵.
- افشار، ایرج (۱۳۷۵). مقدمه بر «بازنامه‌نویسی و بازنامه‌ای از قرن نهم» - ناشناس
- اقبال، عباس (۱۳۸۸). تاریخ مغول، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- اوحدالدین کرمانی، حامد بن ابی الفخر (۱۳۶۶). دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب، چاپ اول، تهران: سروش.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۲). تاریخ آل جلایر، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل بن حسن (۱۳۸۴). الاغراض الطیبة و المباحث العلائیة، تصحیح حسن تاجبخش، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- جمال‌الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۷۹). دیوان استاد جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، به تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: نگاه.
- حلوانی، علی بن منصور (۱۲۹۶). شکارنامه ایلخانی، نسخه خطی شماره ۲۸۲۰۷، کتابخانه آستان قدس رضوی.

- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۶۸). «بازنامه‌ها و بازیاری»، در زمينه ايران شناسی، به كوشش چنگيز پهلوان، تهران: پهلوان، ۱-۳۲.
- دمیری، محمدبن موسی (۱۴۲۴ق). حیاة الحیوان الكبری، تصحیح احمد حسن بسج، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). امثال و حکم، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۸۵). دیوان حکیم سنایی غزنوی، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چاپ ششم، تهران: سنایی.
- _____ (۱۳۸۷). حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران.
- شاه‌ارزانی، محمداکبر بن محمد (۱۳۸۷)، طب اکبری، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء طب طبیعی.
- شرف‌الدین قزوینی، فضل‌الله (۱۳۸۳). المعجم فی آثار ملوک العجم، تصحیح احمد فتوحی‌نسب، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ظهیرالدین فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۸۱). دیوان ظهیرالدین فاریابی، تصحیح امیرحسن یزدگری، چاپ اول، تهران: قطره.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۶۲). سندبادنامه، تصحیح احمد آتش، چاپ اول، تهران: فرزانه.
- عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۸). اسرارنامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- عقیلی علوی شیرازی، محمدحسین بن محمدهادی (۱۳۸۸). مخزن الادویة، تصحیح محمدرضا شمس اردکانی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- _____ (۱۳۸۵). خلاصة الحکمة، تصحیح اسماعیل ناظم، چاپ اول، قم: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مکمل، انتشارات اسماعیلیان.
- غروی، علی (۱۳۵۰). «تاریخچه مختصر بازنامه نویسی و معرفی چند بازنامه»، مجله وحید، ش ۹۵، ۱۲۱۵-۱۲۱۸.
- کندی، علی بن مظفر (۱۳۹۴). التذكرة في علم البزدره، ترجمه محمد بن علی بن زاهد شوشتری، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: سفیر اردهال.
- مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸). دیوان مجیرالدین بیلقانی، تصحیح محمدآبادی، چاپ اول، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- محدث، میرهاشم (۱۳۹۴). مقدمه ← کندی
- مسعود سعد سلمان (۱۳۶۴). دیوان اشعار مسعود سعد سلمان، تصحیح مهدی نوریان، چاپ اول، اصفهان: کمال.
- مولوی، محمدعلی (۱۳۸۱). «بازنامه‌ها»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

- ناشناس (۱۳۷۵). «بازنامه نویسی و بازنامه‌ای از قرن نهم»، تصحیح رضا ثقفی و ایرج افشار، مندرج در نامواره محمود افشار، ج ۹، چاپ سوم، تهران: بنیاد موقوفات ایرج افشار، ۵۳۹۴-۵۴۳۳.
- نبی، ابوالفضل (۱۳۵۲). تاریخ آل چوپان، چاپ اول، تهران: چاپخانه دانش امروز.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۳). تنسیخ‌نامه ایلخانی، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- نیشابوری، علی بن محمد (۱۲۸۵ق). شکارنامه خسروی، نسخه خطی به شماره ۲۴۲۹۸، کتابخانه آستان قدس رضوی.
- هروی، موفق بن علی (۱۳۷۱). الابنیه عن حقائق الادویه، تصحیح احمد بهمنیار، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- یزدگردی، امیرحسن (۱۳۷۱). حواصل و بوتیمار، به کوشش اصغر دادبه، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ینال خلیل تاشی، یوسف بن احمد (۱۰۸۱ق). بازنامه، نسخه خطی شماره ۸۰۹۳، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم.
- الیوسی، حسن (۱۴۰۱ق). زهر الاکم فی الامثال و الحکم، حقه محمد حجی، طبعه الاولى، مغرب: دارالثقافة.



آغاز نسخه کتابخانه اراک



آغاز نسخه دایرة المعارف بزرگ اسلامی

